

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اعجاز پیام قرآن (انطباق پیام های کلیدی قرآن با مبانی عقلی)

آخرین ویرایش: هفتم شهریورماه ۱۴۰۰

مؤلف: علی اسماعیلی

مقدمه

با توجه به اینکه اثبات حقانیت قرآن از طریق وجوه متعدد اعجاز آن همچون اعجاز ادبی، بازگویی اسرار آفرینش، اخبار غیبی، اعجاز تشریحی قابل اثبات است، نویسنده این مقاله ثابت می کند که بدون لحاظ کردن این جنبه ها از اعجاز نیز می توان حقانیت قرآن را از طریق پیامهای آن ثابت کرد؛ پیام هایی که عقل آنها را ثابت می کند و غیر از آن ممکن نیست!

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْمُر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ»: «المر، اینها آیات کتاب (آسمانی) است؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو

نازل شده، حقّ است؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند!» (آیه ۱،
سوره رعد)

پیام های کلیدی قرآن:

۱. وجود خداوند

۲. یگانگی خداوند

۳. فرزند نداشتن خداوند

۴. صفات خداوند (دانا، توانا، حکیم، و...)

۵. معاد

۶. مکتب اسلام

۷. نبوت و امامت

۱. وجود خداوند:

«اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»: «خدا آفریننده هر چیز است» (آیه ۶۲، سوره
زمر)

قرآن وجود خالق را مطرح می فرماید؛ وجود خالق امری است که عقل آن را ثابت می کند و غیر از آن، عدم وجود خالق، را نمیتواند بپذیرد. خدا موجودی است که قابل دیدن نیست؛ خداوند وجود صرف و بی حد و مرز است و همه موجودات توسط او خلق شده اند. هر چیزی که دیده میشود ماده است و ماده زمانی بوجود آمده و زمانی نیز از بین میرود؛ بنابراین، بنابر دلایل عقلی، خداوند ممکن نیست ماده و در نتیجه قابل رویت باشد. حال ممکن است پرسیده شود چگونه چیزی را که نمیتوان دید می توان به وجود آن باور پیدا کرد؟ در مثالی ساده، هوا را نیز نمیتوان دید ولی با نشانه های آن همچون وزن، به وجود هوا پی می بریم. عقل وجود خدا را نیز با نشانه های او ثابت می کند.

اثبات وجود خالق امری بسیار آسان است و نیاز به تحقیق زیاد نیز ندارد. با اندکی تامل در مورد نظم بسیار زیاد و متحیر کننده در نظام خلقت و موجودات (انسان، گیاه، حیوانات، کهکشانها و...) میتوان به وجود ناظم پی برد. توجه به این نکته نیز ضروری است که مباحث مطرح شده از سوی خدانا باوران در مورد عدم وجود

خداوند در چارچوب مبانی عقلی نیست و بر مبنای "اگر و شاید" و به عبارتی تخیل است. فرضیه تکامل که نیز ذهن بسیاری را مشغول کرده، جدای از اینکه هنوز در حد یک فرضیه است، اما اگر ثابت هم بشود خود دلیلی است بر وجود ناظم (خدا). هیچ عقل سلیمی نمی تواند پذیرد سیستم پیشرفته ای همچون بدن انسان طی یک فرایندی هر چند طولانی مدت خود به خود بوجود آمده باشد!!! سیستم بدن انسان در نهایت نظم است و هر نظمی ناظمی ذی شعور را می طلبد. توجه به این نکته نیز ضروری است که اولاً صاحبان این فرضیه که ادعا می کنند موجودات پیشرفته از موجودات ساده حاصل شده اند در مورد منشاء موجودات ساده چیزی بیان نمی کنند! و ثانياً، موجودات زنده ممکن است سیر تکامل را طی کرده باشند اما موجودات غیر زنده همچون کهکشانها که بسیار عظیم و بر اساس نظم بسیار دقیق هستند چه گونه تکامل یافته اند!؟

خداناباوران با تبلیغات گسترده در مود تخیلات خود، مخاطب را دچار سردرگمی و آشفتگی ذهنی می کنند تا اینکه مهمترین

حقیقت عالم، وجود خداوند، را که ایمان انسان به این موضوع مانع بزرگی بر سر راه دنیاطلبی آنها است، دروغ جلوه بدهند. وقتی با اندکی اندیشیدن از این سردرگمی خارج بشوید و سعی کنید هوای نفس را نیز مهار کنید، از تردید خود درباره این موضوع که آیا خدا وجود دارد یا خیر (که موضوعی بسیار آشکار است) تعجب خواهید کرد! نکته دیگر که برای خدانا باوران خوشایند نیست این است که اثبات وجود خدا فقط وابسته به برهان نظم نیست و با برهان های دیگر (همچون حدوث، حرکت، وجوب و امکان، صدیقین) نیز وجود خداوند ثابت می گردد. موضوع قابل توجه دیگری که اشاره به آن خالی از لطف نیست، موضوع رؤیاهای صادقانه است که تقریباً برای همه انسانها روی می دهد. وقتی شخصی بدون هیچ زمینه، پیش فرض و اطلاعات قبلی خوابی ببیند که بدون کم و کاست در آینده محقق شود، به هیچ وجه نمی توان آن را با سیستم مادی مرتبط دانست و این موضوع نیز در تضاد با اعتقاد خدانا باوران ماده گرا است.

۲. یگانگی خداوند

«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»: بگو اوست خدای یگانه (آیه ۱، سوره توحید)

قرآن می فرماید خداوند یکتاست. دلایل عقلی متعددی بر توحید و یگانگی خداوند ارائه شده است؛ مانند: برهان هماهنگی در کلّ عالم؛ برهان وحدت انبیا؛ برهان نفی شبیه و مثل و نظیر؛ برهان تمنع؛ برهان بی نیازی خداوند و برهان بساطت و عدم محدودیت خداوند. در زیر دو برهان توضیح داده میشود:

۱. برهان هماهنگی در کلّ عالم: وجود هماهنگی در نظام خلقت علاوه بر اینکه دلیل محکمی برای وجود خداوند است دلیل بر یگانگی خداوند نیز می باشد. اگر دو تدبیر و اراده در عالم هستی حاکم باشد، فساد و بی نظمی در عالم یافت می شود؛ پس نبودن فساد در عالم، دلیل بر وحدت خداوند است. برای تبیین موضوع، اگر جهان را به شکل یک کتاب در نظر بگیریم، کتابی که توسط دو یا چند نفر نوشته شده باشد سبک و سیاق تالیف هر قسمت از کتاب با بخش دیگر آن متفاوت است، اما کتاب خلقت کاملاً یک

دست است و این موضوع حاکی از این است که این کتاب توسط یک نویسنده تالیف شده است.

«اگر در آنها [=زمین و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت قطعا [زمین و آسمان] تباہ می شد پس منزه است خدا پروردگار عرش از آنچه وصف می کنند» (سوره النبأ: آیه ۲۲).
«همان کسی که هفت آسمان را بر روی یکدیگر آفرید، در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی بینی، بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می کنی؟» (آیه ۳ سوره ملک).

۲. برهان وحدت انبیا: اگر خدایان دیگری وجود داشتند هر آینه می بایست این خدایان به ارسال پیامبرانی برای معرفی خود و هدایت مردم پردازند، ولی در هیچ جای جهان چنین اتفاقی نیفتاده است و ما شاهد هیچگونه پیامبر و یا نشانه ای دیگر از وجود خدای دیگر نبوده و نیستیم.

۳. فرزند نداشتن خداوند

«لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»: «نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی است.»
(آیه ۳ سوره اخلاص)

قرآن میفرماید خداوند نه خود متولد شده و نه کسی را متولد میکند. این پیام قرآن نیز حاوی موضوعی است که عقل نیز آن را تایید می کند. علاوه بر دلایل محکم فلسفی برای تایید این پیام قرآن همچون صفت بسیط بودن خداوند، صفتی که عقل در مورد خدا ثابت می کند، آیا اگر خداوند زاییده شده بود و یا میزاید او موجودی همچون انسان و دیگر حیوانات نبود؟! علاوه بر این، آیا خداوند همچون انسان قرار است روزی بمیرد و برای تداوم حکومت خود نیاز به فرزند به عنوان جانشین دارد!؟

۴. صفات خداوند در قرآن:

برای خداوند به غیر از توحید صفات متعددی در قرآن مطرح شده است. آیا می توان این صفات را در مورد خالق این دنیا با دلایل عقلی و منطقی تکذیب کرد. برای مثال به بررسی چند مورد از

صفات خداوند که در قرآن مطرح شده و اثبات این صفات بر اساس مبانی عقلی می پردازیم.

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (آیه ۲۵۵ سوره بقره)، وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (آیه ۱۸ سوره نور)، إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (آیه ۷۵ سوره حج)، إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آیه ۱۰۹ سوره بقره)، وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ (آیه ۲۰ سوره نور)، وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا (آیه ۳۱ سوره فرقان)، وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (آیه ۴۶ سوره نور)»

- زنده: قرآن میفرماید خداوند زنده است؛ آیا ممکن است خداوند زنده نباشد اما اقدام به خلقت بکند و به موجودات حیات ببخشد؟

- دانا: قرآن می فرماید خداوند دانا است، آیا ممکن است خالق آسمانها، زمین و موجودات بویژه انسان دانا نباشد؟

- توانا: قرآن می فرماید خداوند بر هر کاری توانا است. آیا خلقت این دنیا با این عظمت دلیل محکمی بر توانایی نامحدود خداوند نیست؟

- هدایتگر: قرآن خداوند را هدایتگر معرفی مینماید. آیا انسان به اراده الهی توسط عقل و حیوان توسط غریزه هدایت نمیشوند؟ خداوند گیاهان را نیز برای رشد و نمو هدایت میکند. جالب است بدانیم که صفت هدایتگری خداوند شامل موجودات غیر زنده نیز می شود (برای نمونه، الکترون نحوه عملکرد خود را می داند و کرات با هدایتی که میشوند در مدار خود حرکت میکنند). بنابراین نتیجه میگیریم خالق این دنیا هدایتگر است و با هدایتش مخلوقات را به کمال مختص ظرفیتشان میرساند.

- حکیم: قرآن می فرماید خداوند حکیم است. آیا نظم بسیار دقیق و حیرت آور در نظام آفرینش دلیل محکمی بر حکمت بی انتهای خداوند نیست؟

حکیم یعنی صاحب حکمت. حکمت در لغت به معنای استواری و استحکامی است که از نقص، خلل و فساد جلوگیری می کند. افعال حکیم هدفی را دنبال می کند و در آن افعال نقص و خلل وجود ندارد. آیا در مخلوقات همچون کهکشانها، سیارات و موجودات

زنده نقص، خلل و عدم استحکام مشاهده می شود؟ آیا هر یک از
اعضاء بدن انسان برای هدفی طراحی نشده است؟ یک نگاه به
جهان هستی از منظومه ها و ستارگان و کواکب گرفته تا ساختمان
اتم، و از موجودات زنده تک سلولی تا حیوانات غول پیکر و
درختان عظیم، برای پی بردن به حکمت آفریدگار آنها، و بانی این
بنای باشکوه کافی است. اصولاً تمام کتاب هایی که درباره علوم
طبیعی، فیزیک، شیمی، تشریح، فیزیولوژی، گیاه شناسی، حیوان
شناسی، علم هیئت و نجوم نوشته شده همگی شرح حکمت خدا
است.

- شنوا: قرآن می فرماید خداوند شنواست؟ آیا اگر خداوند شنوا
نبود می توانست موجودات شنوا خلق کند؟

- بینا: قرآن می فرماید خداوند بینا است؟ آیا اگر خداوند بینا نبود
می توانست موجودات بینا خلق کند؟

- مهربان: قرآن خداوند را بسیار مهربان معرفی می کند. آیا میتوان
پذیرفت که خالق مادر و عطوفت مادرانه خود مهربان نیست؟

- به عدالت رفتار میکند و ظلم نمیکند: قرآن در آیات متعدد می فرماید خداوند ظلم نمی کند و کارهای او بر عدل استوار است. در ابتداء، آیاتی در این باره مطرح میشود و سپس به بررسی این پیام قرآن از دیدگاه عقل میپردازیم:

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آیه ۱۸ سوره آل عمران): «خدا گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست، فرشتگان و صاحبان علم نیز (بر این حقیقت) گواه هستند که (کارهای خدا همه) بر عدل و داد استوار است و جز خدای عزیز و حکیم، هیچ معبودی نیست.»

«وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (آیه ۴۹ سوره کهف): «و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند.»

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» (آیه ۴۰ سوره نساء): «خداوند (حتی) به اندازه سنگینی ذره‌ای ستم نمی کند؛».

جهان آفرینش اثر خداوند است؛ همانطور که ما از اثر یک نقاش به توانایی و صفات آن نقاش پی میبریم، از اثر خداوند نیز به صفات

او پی میبریم. در واقع هدف خداوند از خلقت انواع مخلوقات نیز همین است؛ از آنجایی که خداوند نامحدود میباشد و امکان دیدن او وجود ندارد، خداوند خود را با مخلوقاتش به نمایش می گذارد؛ به تعبیری دیگر، انسان با اندیشیدن در مورد مخلوقات، به وجود خالق و صفات او (علم، قدرت، حکمت، عدل و...) پی میبرد. وجود عدل و نبود ظلم در حوزه آفرینش دلیل محکمی بر عدالت خداوندی است و عقل را به این موضوع رهنمون میسازد که خالق هر که باشد در نهایت عدل عمل می کند و ظالم نیست.

معانی عدل و ظلم، و وجود عدل در حوزه جهان آفرینش

عدل در لغت یعنی نظم، ادب و قرار دادن هر چیز در جای خود. در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «عدالت عبارت است از وضع و قرار دادن هر شیء در جایگاه مناسب آن.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). بنابراین عادل یعنی برقرار کننده عدالت، کسی که اعمال و رفتارش مطابق با نظم، انصاف و قانون است.

در مقابل، ظلم در لغت عبارت است از قرار دادن چیزی در غیر جای ویژه آن یا کمتر و یا بیشتر (خارج شدن از حد میانه روی)، و یا آن را در وقت و مکان خود انجام ندادن. بنا براین، ظالم کسی است که جایگاه و حد واقعی کارهای خود را رعایت نمی کند.

وجود عدل در حوزه جهان آفرینش

«إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (آیه ۴۹ سوره قمر): «البته ما هر چیز را به اندازه آفریدیم!»

در حدیث نبوی آمده است «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»: «توسط عدل آسمانها و زمین استوار باقی مانده است» (تفسیر صافی، ذیل آیه ۷ سوره الرحمن).

وجود عدل در حوزه جهان آفرینش عبارت است از موزون بودن و هماهنگی کامل میان اجزاء و مؤلفه‌های عالم وجود؛ اگر ما به جهان بنگریم متوجه میشویم که این جهان در نهایت نظم، زیبایی، اتقان و تناسب قرار دارد. میان اجزای تک تک موجودات، میان اشیاء و مؤلفه‌های جهان یک نوع تناسب و توازن خاصی حاکم

است. کرات آسمانی در مدار معینی حرکت می کنند، فصول سال و گذشت شب و روز نظم خاصی دارد و خلقت اشیاء از اندازه، حدّ و میزان خاصی برخوردار است. این نظم شگفت انگیز و محیرالعقولی که در همه مخلوقات، حرکت سیّاره ها و ستارگان، گیاهان، موجودات دریایی و صحرائی، بدن انسان، گردش خون و... وجود دارد، همه و همه نشان از عدالت بی انتهای خالق است.

۵. معاد

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنْ اللَّهِ حَدِيثًا» (سوره نساء، آیه ۸۷): (معبودی جز خداوند نیست؛ و به یقین، همه شما را در روز رستاخیز - که شکی در آن نیست - جمع می کند و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟!).

قرآن واقعه معاد (روز قیامت) را مطرح می فرماید. از لحاظ امکان، خدایی که این دنیا را با این عظمت خلق کرده است میتواند دنیای دیگری را نیز خلق کند. از لحاظ ضرورت نیز واقعه معاد را میتوان

با روشهای متعدد ثابت کرد. در اینجا ما با صفات حکمت و عدالت خداوند ضرورت واقعه معاد را ثابت می کنیم.

حکمت

در مقدمه این قسمت، این نکته را یادآور میشویم که آیات متعدد قرآن حاکی از این است که جهان با این عظمت برای انسان خلق شده است؛ موضوعی که عقل نیز آن را می پذیرد؛ زیرا که انسان تنها موجودی است که به علت برخورداری از قدرت اندیشیدن، توانایی درک نظام خلقت و بهره برداری از آن را در راستای منافع خود دارد!

«وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»: «او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته؛ در این نشانه‌های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می کنند!» (آیه ۱۳ سوره جاثیه)

همانطور که در در قسمت صفات خداوندی بیان شد، وجود حکمت در نظام آفرینش و مخلوقات همچون بدن انسان نشانه ای از حکیم بودن خالق است. حکیم هیچ کاری را بدون هدف انجام نمی دهد. بنابراین با توجه به حکمت بی انتهای خالق در حوزه آفرینش و توجه به این نکته که جهان برای انسان خلق شده است، نمیتوان پذیرفت که خداوند برای خلقت انسان در این دنیا با این همه عظمت و پیچیدگی هدفی نداشته باشد و با مرگ، همه چیز برای انسان تمام میشود! بنابراین، عقل انتظار دارد پس از مرگ حقایقی دیگر وجود داشته باشد، هر چند برای ما بدرستی محسوس نباشد!

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ»: «ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛ وای بر کافران از آتش (دوزخ)!» (آیه ۲۷ سوره مبارکه "ص")

خداوند در آیه ۱۱۵ سوره مومنون نیز می فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»: «آیا گمان برده اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما بازگشت نخواهید کرد!»

عدالت

با توجه به عدالت فراگیر خداوندی در کل حوزه آفرینش، و پی بردن این موضوع که خالق هر که است ظالم نیست و در نهایت عدالت رفتار می کند، عقل نمی تواند بپذیرد که پس از مرگ انسان خوب و انسان ستمگر هر دو در جایگاهی مشابه (گور، قبر) قرار بگیرند (ظلم). خالقی که در سرتاسر حوزه آفرینش عدالت (نظم، تناسب و قوانین دقیق) مشاهده میشود، یقیناً در همه کارهایش هر چند برای ما به درستی محسوس نباشد، عدالت وجود دارد. بنابر آیات قرآن، در دنیای پس از مرگ انسان خوب و انسان ستمگر از یکدیگر جدا خواهند شد و بنابر تناسب اعمال، انسان خوب در بهشت و انسان ستمگر در جهنم جای خواهد گرفت

(عدالت)؛ موضوعی که عقل انتظار آن را دارد و غیر از آن را نمیتواند بپذیرد.

امام سجاد (ع) در این باره میفرمایند: «به خدا قسم قبر یا باغی از باغ های بهشت است یا چاهی از چاههای آتش» (بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۵۹).

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...» (البقره/۲۵): «به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست.»

«لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (آیه ۳۷، سوره انفال): «(اینها همه) بخاطر آن است که خداوند (می‌خواهد) ناپاک را از پاک جدا سازد، و ناپاکها را روی هم بگذارد، و همه را متراکم سازد، و یکجا در دوزخ قرار دهد؛ و اینها هستند زیانکاران!»

۶. مکتب اسلام

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آیه ۱۹ آل عمران): «همانا دین (پسندیده) نزد خدا آیین اسلام است.»

«فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ» (آیه ۱۲۵، سوره انعام): «آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد.»

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (آیه ۳ سوره مائده): «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.»

همانطور که در بالا بیان شد، خالق این دنیا هدایتگر است و هدایت او شامل موجودات زنده و حتی موجودات غیر زنده نیز میشود و با هدایتش مخلوقات را به کمال مختص ظرفیتشان میرساند. خداوند انسان را از طریق عقل هدایت می‌کند، اما همین عقل به انسان میفهماند که انسان از درک امور غیر تجربی عاجز است و برای

آگاهی یافتن از هدف، آغاز و سرانجام خلقت و نیز رسیدن به کمال مختص ظرفیت خود (سعادت‌مندی در این دنیا و دنیای پس از مرگ) نیاز به دریافت هدایت از بعدی دیگر دارد. حال، با توجه به صفات حکمت و هدایت‌گری خالق باید به دنبال نشانه‌ای از هدایت از سوی او باشیم که از طریق آن علاوه بر مشخص شدن هدف، سرآغاز و سرانجام خلقت، سعادت‌مندی انسان در این دنیا و دنیای پس از مرگ نیز تضمین شود. مبانی ادیان و مکاتب کفرآمیز همچون بت پرستی و بودایی با مبانی عقلی همخوانی ندارند. با بررسی بیشتر به ادیان توحیدی (همچون اسلام، مسیحیت و یهودیت) می‌رسیم؛ محتویات کتب ادیان توحیدی همچون تورات و انجیل (به دلیل تحریفات صورت گرفته در آنها) به طور کامل با مبانی عقلی همخوانی ندارند و علاوه بر این، برنامه‌ای جامع و دقیق برای تضمین سعادت بشر امروز ارائه نمی‌دهند. در این میان، فقط کتاب مکتب اسلام، قرآن، است که محتوایش به طور کامل در چارچوب مبانی عقلی است. توصیفش از خالق به گونه‌ای است که مورد تایید عقل می‌باشد، دیدگاهش در مورد هدف،

سرآغاز و سرانجام خلقت با اصول و مبانی عقلی همخوانی دارد، در آن تناقض وجود ندارد، دستوراتش همه ابعاد ضروری (فردی، اجتماعی و معنوی) برای سعادت بشر را فرا میگیرد و این دستورات مبتنی بر فطرت انسان است؛ تبعیض در آن جای ندارد و معیار برتری را تقوا اعلام می کند. قرآن تنها نشانه ای از هدایت است که می توان آن را در این عصر از سوی خدا برای هدایت بشر امروز در نظر گرفت، سبک هدایتی دیگری قابل مقایسه با سبک قرآن وجود ندارد، و از طرفی نیز صفات حکمت و هدایتگری خالق اقتضاء میکند که بشر را به نوعی هدایت کند، بنابراین، نتیجه میگیریم که مکتب اسلام (که قرآن آیین نامه این مکتب است) همان سبک هدایتگری است که از سوی خالق این دنیا برای هدایت بشر امروز اختصاص داده شده است.

«أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»: «آیا در قرآن نمی اندیشند [تأقیق را بفهمند] یا بر دل هایشان قفل هایی قرار دارد؟»
(آیه ۲۴ سوره محمد)

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»:» (این قرآن بزرگ) کتابی مبارک و عظیم الشان است که به تو نازل کردیم تا امت در آیاتش تفکر کنند و صاحبان مقام عقل متذکر (حقایق آن) شوند.» (آیه ۲۹ سوره مبارکه ص)

نکته دیگر اینکه در صورتی که اسلام آخرین مکتب هدایتگری برای بشر باشد و دیگر قرار بر تغییر و تکمیل آن نباشد، عقل انتظار دارد که خداوند از قرآن به عنوان آیین نامه این مکتب محافظت بکند که در آیات قرآن نیز شاهد این موضوع هستیم:

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (آیه ۴۰ سوره احزاب): «محمد (ص) (که قرآن کتاب این پیامبر است) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است!»

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (آیه ۹ سوره حجر): «همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما نگهبان آن [از تحریف و زوال] هستیم.»

این نکته نیز قابل ذکر است که همانطور که عقل انتظار دارد و قرآن نیز حاکی از آن است، خداوند حکیم و هادی برای بشر در هر عصری، سبکی از هدایت که متناسب با بشر آن عصر بوده را نازل فرموده است. (آیه ۳۶ سوره نساء، آیه ۷۸ سوره غافر، آیه ۲۵ سوره حدید).

بررسی شبهات در مورد قرآن

شبهه چیست و چه تفاوتی با سؤال دارد؟ سؤال معمولاً از فطرت حقیقت جوی انسان سرچشمه می گیرد که در خور احترام و توجه است، اما شبهه نوعی القای شک است که با انگیزه های اختلاف افکنی و گمراه سازی همراه است.

شبهه سازانی که در مورد قرآن ایجاد شبهه می کنند معمولاً قرآن را مانند یک کتاب علوم طبیعی، تاریخی و یا ادبی در نظر می

گیرند و سپس بر این مبنا از قرآن نقد به عمل می آورند، اما این نوع نقد از اساس دارای اشکال است زیرا قرآن با دیگر کتابها متفاوت است و کتابی است ویژه با سبکی خاص برای **هدایت بشر** به سمت سعادت دنیا و آخرت؛ قرآن همچون کتاب های علمی و با کاربرد اصطلاحات تخصصی به تبیین دقیق مسائل علمی نمی پردازد و زمینه های ادبی، تاریخی و علوم طبیعی آن در راستای هدف این کتاب، هدایت انسان، است.

این نکته نیز قابل توجه است که شبهاتی که هدف اصلی آنها فقط اقدام به توطئه علیه قرآن است، شبهاتی در مورد مبانی قرآن همچون وجود خدا، توحید و معاد نیست، زیرا مبانی قرآن به سادگی با براهین عقلی قابل اثبات است. شبهاتی که معمولاً ارائه میشود و شبهه سازان قصد دارند از طریق آنها مخاطب را دچار سردرگمی و گمراهی سازند، شبهاتی است در زمینه هایی همچون یافتن اشتباه در اشارات علمی، یافتن اشتباه در زمینه ادبیات و دستور زبان عربی و یا یافتن اشتباه در زمینه مطالب تاریخی قرآن. این شبهات با این هدف ارائه میشود که بتوان در نتیجه ثابت کرد قرآن

از سوی خدا نیست، زیرا در کتاب خدا نباید اشتباه وجود داشته باشد. **شبهه سازان از سبک بیان قرآن نیز برای ایجاد شبهه استفاده می کنند.** قرآن سبک ادبی دارد و از روشهایی همچون تمثیل، تشبیه و ایجاز استفاده می کند. بنابراین، شبهه سازان با برداشت های اشتباه از آیات قرآن که گاه حتی توسط مترجمان قرآن نیز به طور ناخواسته به چشم می خورد، استفاده کرده و ایجاد شبهه می کنند.

بررسی شبهات ایجاد شده در مورد قرآن ضرورت ندارد زیرا امکان وجود نقص یا اشتباه در قرآن وجود ندارد و قرآن از هر بعد در نهایت کمال ممکن است.

برای تبیین این موضوع، **عدم امکان وجود نقص در قرآن،** به مبانی عقلی استناد می کنیم. هماگونه که بیان شد، بنابر یافته های عقل، خدای این جهان بسیار حکیم و هدایتگر است و عقل نیز نشانه ای از هدایت بغیر از قرآن را نمی تواند در این عصر به خدا نسبت بدهد و از سویی دیگر عقل نمی تواند بپذیرد خدای حکیم

و هدایتگر بشر را هدایت نکند و بدون تعیین معیاری برای تشخیص خوب از بد و حق از باطل او را در گمراهی رها سازد **بنابراین، قرآن بدون تردید از سوی خدا است و در امر خدا امکان وجود نقص نیست!** در نتیجه، شبهات قرآنی ضرورت بررسی ندارند، و اگر شبهه ای در مورد قرآن ایجاد بگردد، یقیناً این شبهه بنابر **کمبود دانش بشر و یا برداشت اشتباه از آیات قرآن می باشد.**

۷. نبوت و امامت:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»: «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» (آیه ۳۶ سوره نحل).

«كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (آیه ۱۵۱ سوره بقره): «همچنان که پیامبری از خود شما را بر شما فرستادیم تا آیات

ما را برایتان بخواند و شما را پاکیزه گرداند و کتاب و حکمت آموزد و آنچه را که نمی دانستید به شما یاد دهد.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان (که امامان و جانشینان معصوم پیامبر گرامی ص) هستند) اطاعت نمایید» (آیه ۵۹، سوره نساء).

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ: «یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگویی نیکویی است!» (آیه ۲۱ احزاب)

«قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»: «خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» (آیه ۱۲۴ بقره)

موضوع نبوت و امامت یکی از پیامهای کلیدی قرآن می باشد. انسان موجودی اجتماعی است و همانطور که هر جامعه کوچک و بزرگی نیاز به رهبر دارد، پیامبر و جانشینان او نیز رهبرانی برای مدیریت جامعه دینی هستند.

همچنین، این امکان نیز از نظر عقلی وجود ندارد که همه دستورات مورد نیاز برای سعادت‌مندی بشر در یک کتاب جای بگیرد! به عنوان نمونه خداوند در قرآن دستور به اقامه نماز می‌دهد ولی نحوه اقامه نماز بیان نمی‌گردد. بنابراین، آن طور که عقل انتظار دارد و آیات قرآن حاکی از آن است، قرآن شامل کلیات دستورات دین می‌باشد و این دستورات به وسیله پیامبر و جانشینان او تکمیل می‌گردد. علاوه بر این، جهت فراگیری کامل و دقیق ساده‌ترین کتاب‌ها وجود معلم امری ضروری است. قرآن نیز به علت اینکه دربرگیرنده دستورات هدایت و سعادت‌مندی بشر در ابعاد مختلف است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای جلوگیری از سوء برداشتهای سهوی و عمدی از دستورات آن نیاز به معلمی حاذق و مطمئن دارد که با توضیح و الگوسازی دقیق دستورات این کتاب مانع سوء برداشتها و گمراهی انسان بشود؛ وظیفه‌ای که بنابر آیات قرآن به پیامبر و جانشینان او محول گردیده است.

بنابراین، حکمت خداوندی، بویژه در دنیایی که روز به روز در حال تغییر است، اقتضاء میکند تا زمانی که انسان وجود دارد

فردی حاذق و مطمئن از سوی خدا نیز وجود داشته باشد که بتواند جامعه دینی را رهبری و پیام‌ها و دستورات قرآن را با توجه به شرایط روز به طور دقیق و بدون هیچ گونه خطا تفسیر و تفهیم کند و در صورت از میان برداشته شدن او به هر دلیل، شخص حاذق دیگری همچون او جایگزین گردد که آیات قرآن نیز حاکی از همین موضوع است.

این نکته نیز قابل توجه است که به جهت الگو برداری هر چه بهتر و آسانتر انسان از پیامبر، عقل انتظار دارد که او نیز انسان باشد (و برای نمونه فرشته نباشد) که آیات متعدد قرآن نیز حاکی از این موضوع است (آیه ۲ سوره جمعه، آیه ۱۲۸ سوره توبه، آیه ۱۶۴ سوره آل عمران).

نتیجه گیری

همانطور که بررسی شد متوجه می شویم که پیامهای قرآن همگی حق (حقیقت و راستی) هستند و ما می توانیم با اندیشیدن در مورد پیامهای قرآن و مطابقت دادن آنها با معیار عقل و منطق که روشی

ساده تر از استناد به وجوه اعجاز قرآن همچون اعجاز ادبی و علمی می باشد، به حقانیت قرآن پی ببریم. در انتها، این نکته نیز قابل ذکر است که عنوان این مقاله در چارچوب عباراتی همچون "اعجاز ادبی قرآن" و "اعجاز علمی قرآن"، "اعجاز پیام قرآن" تعیین گردید.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ»: «المر، اینها آیات کتاب (آسمانی) است؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حق است؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند!» (آیه ۱، سوره رعد)

«أَنَا هَدَيْتَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا کفران کند» (آیه ۳ سوره انسان).

پایان

ثواب تالیف این مقاله هدیه می گردد به چراغ هدایت
امام حسین (ع) و فرزند ایشان حضرت امام مهدی (عج)
و پدر و مادر عزیزم.

(با تشکر پیشاپیش از شما به خاطر تکثیر این مقاله). التماس دعا!

مقاله "اعجاز پیام قرآن" بر روی وبلاگ زیر قرار دارد و کلیه
بروز رسانی های این مقاله در این وبلاگ ارائه خواهد شد.

وبلاگ اعجاز پیام قرآن

www.ejazepayam.blogfa.com

وبلاگ "اعجاز پیام قرآن" به زبان انگلیسی

www.enejazepayam.blogfa.com